

# ماه آنجا بود

نگاه گذرایی به دوران کودکی حضرت باب

نوشته‌ی الحان رحیمی  
تصویرگر: آناهیت آکسانیان  
مترجم: امیلیا - ح

# ماه آنجا بود

نگاه گذرایی به دوران کودکی حضرت باب



نوشته‌ی الحان رحیمی  
تصویرگر: آناهیت آکسانیان  
مترجم: امیلیا - ح





شب به خیر دوستان من

من ماه هستم، بله

همان ماهی که بیشتر شبها

در آسمان می بینید.



من خیلی وقت است  
که اینجا هستم  
و چیزهای زیادی را دیده‌ام.

امروز می‌خواهم داستانی از  
یک کودک بسیار خاص  
برایتان تعریف کنم.



این داستان در ایران  
اتفاق افتاد.

شاید این مکان از شما  
خیلی دور باشد.

آنجا را روی نقشه با قرمز نشان داده‌ام.  
می‌توانی محل زندگی خودت را  
روی نقشه پیدا کنی؟



این کودک خاص قبل از طلوع آفتاب به دنیا آمد.

کمی زودتر از زمانی که من بروم و

دوستم خورشید به آسمان بیاید.

خانواده‌ی این کودک از تولد او بسیار خوش حال

شدند. او تنها فرزند این خانواده بود.

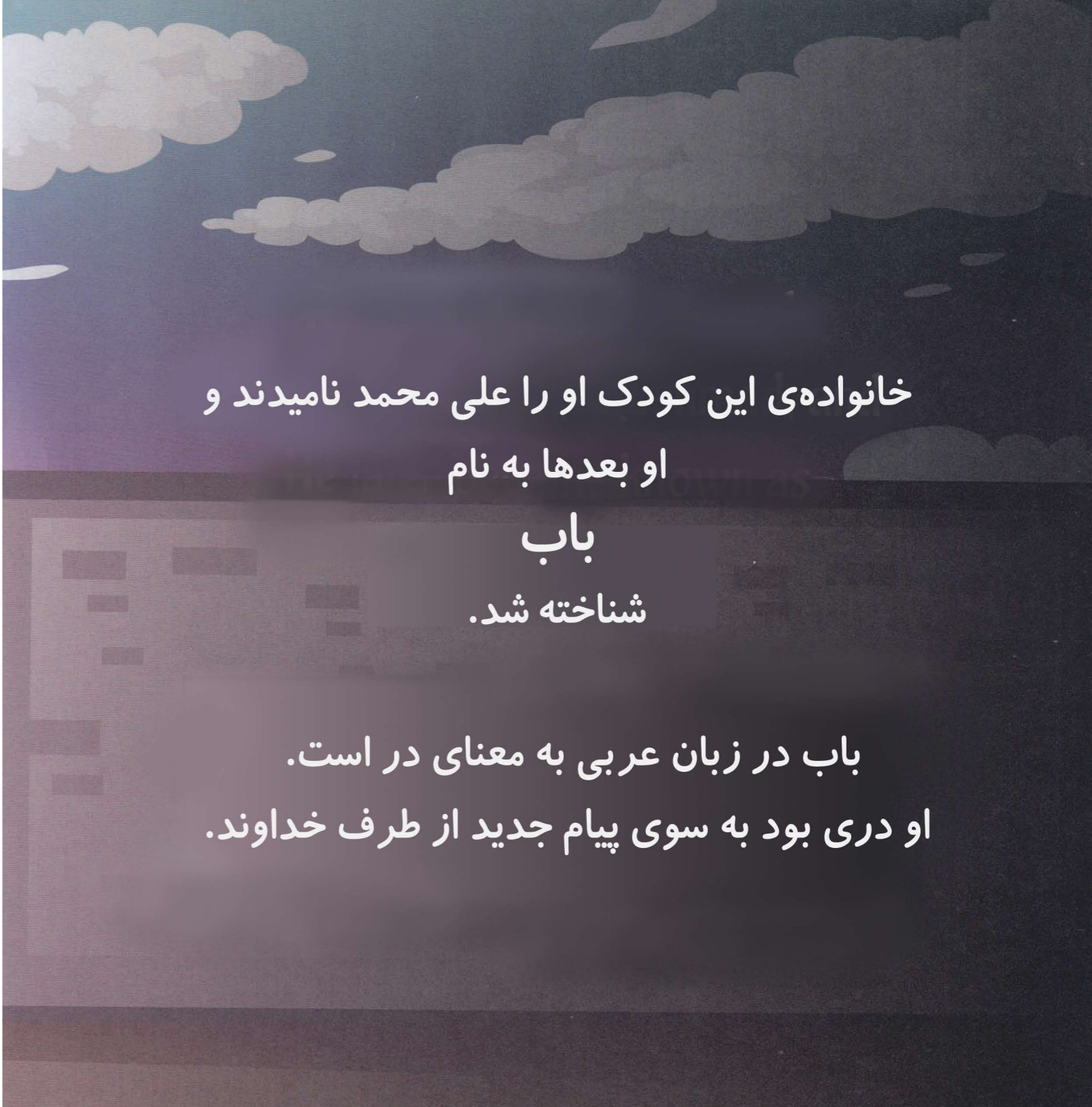
من خیلی مسرور بودم و حتی ستارگان

می‌درخشیدند و لبخند می‌زدند.

پرندگان تازه بیدار شده بودند و

در حال چهچه و آواز بودند.

انگار همه‌کس و همه‌چیز شادمان بود.



خانواده‌ی این کودک او را علی محمد نامیدند و  
او بعدها به نام

**باب**

شناخته شد.

باب در زبان عربی به معنای در است.  
او دری بود به سوی پیام جدید از طرف خداوند.



او کودکی بسیار خاص بود. یعنی  
با تمام کودکان  
هم‌سن خودش فرق داشت.

دعا و مناجات را دوست داشت و  
با لحنی حیرت‌انگیز  
دعا می‌خواند.

من داستانی برای شما تعریف می‌کنم  
تا بدانید  
او چقدر با کودکان دیگر متفاوت بود.





هر هفته معلم حضرت باب  
دانش آموزان را به باغ می برد  
تا بازی کنند.

وقتی که تمام کودکان بازی می کردند،  
معلم متوجه شد که علی محمد  
در میان آنها نیست.



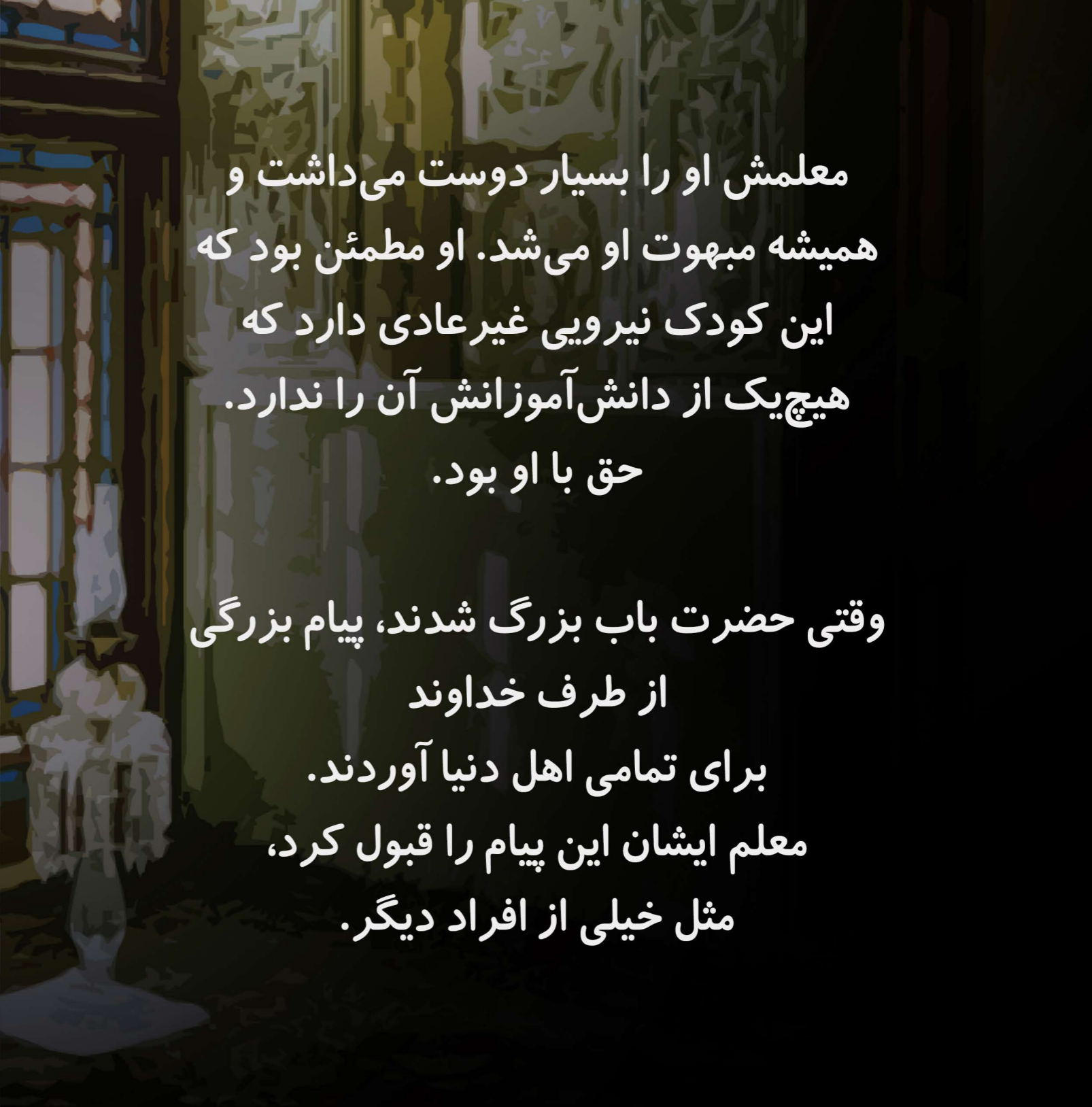
همه به دنبال او گشتند تا اینکه  
پیدایش کردند.  
می‌توانید حدس بزنید که کجا و  
مشغول انجام چه کاری بود؟


علی محمد زیر سایه‌ی درختان  
دعا می‌خواند.  
او دعاخواندن را  
از بازی بیشتر دوست داشت.



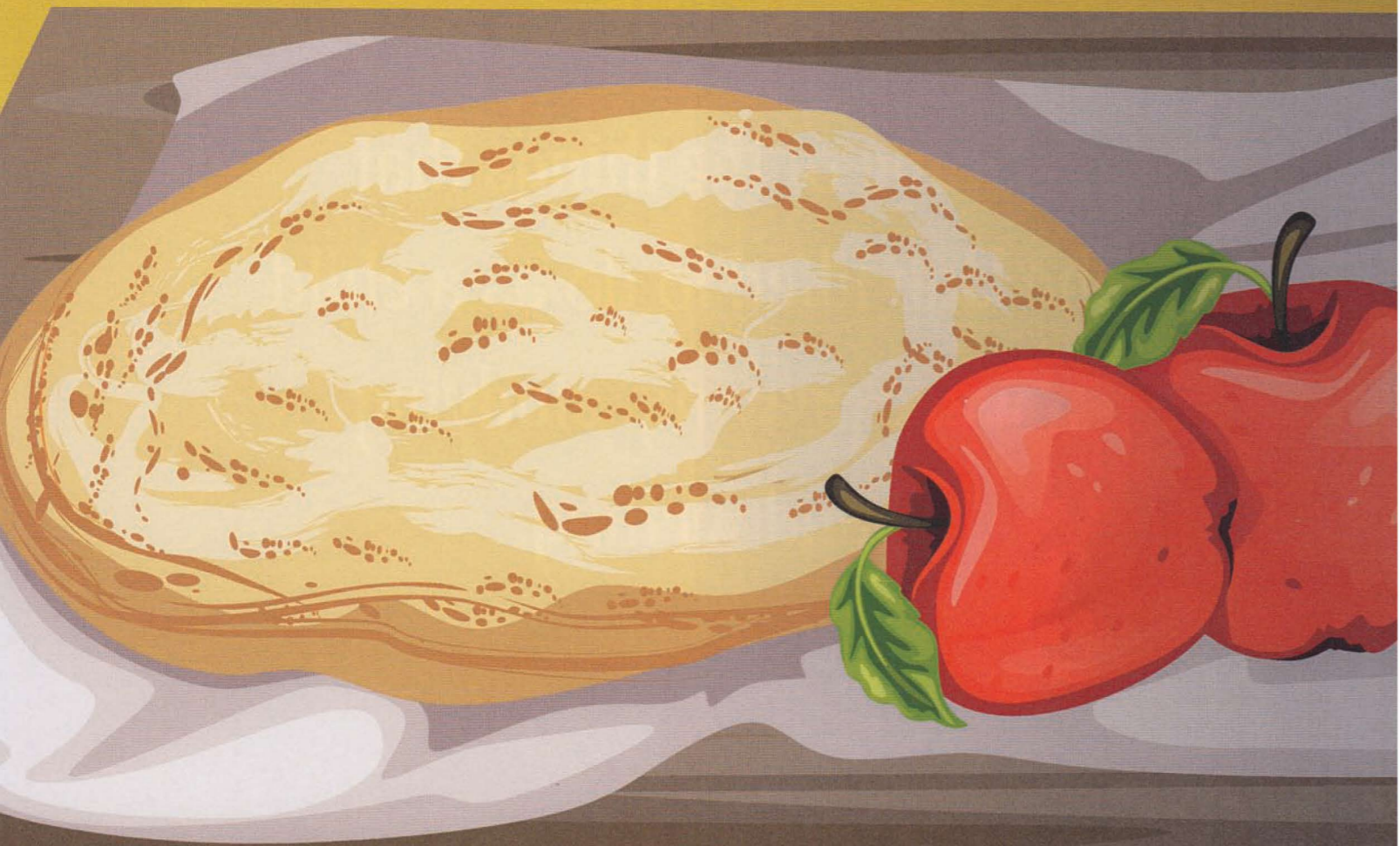
معلمش او را بسیار دوست می‌داشت و همیشه مبهوت او می‌شد. او مطمئن بود که این کودک نیرویی غیرعادی دارد که هیچ‌یک از دانش‌آموزانش آن را ندارد. حق با او بود.

وقتی حضرت باب بزرگ شدند، پیام بزرگی از طرف خداوند برای تمامی اهل دنیا آوردند. معلم ایشان این پیام را قبول کرد، مثل خیلی از افراد دیگر.





از جمله کارهایی که حضرت باب  
دوست داشتند  
در کودکی انجام دهند  
دعاخواندن، درس خواندن  
و نوشتن بود.



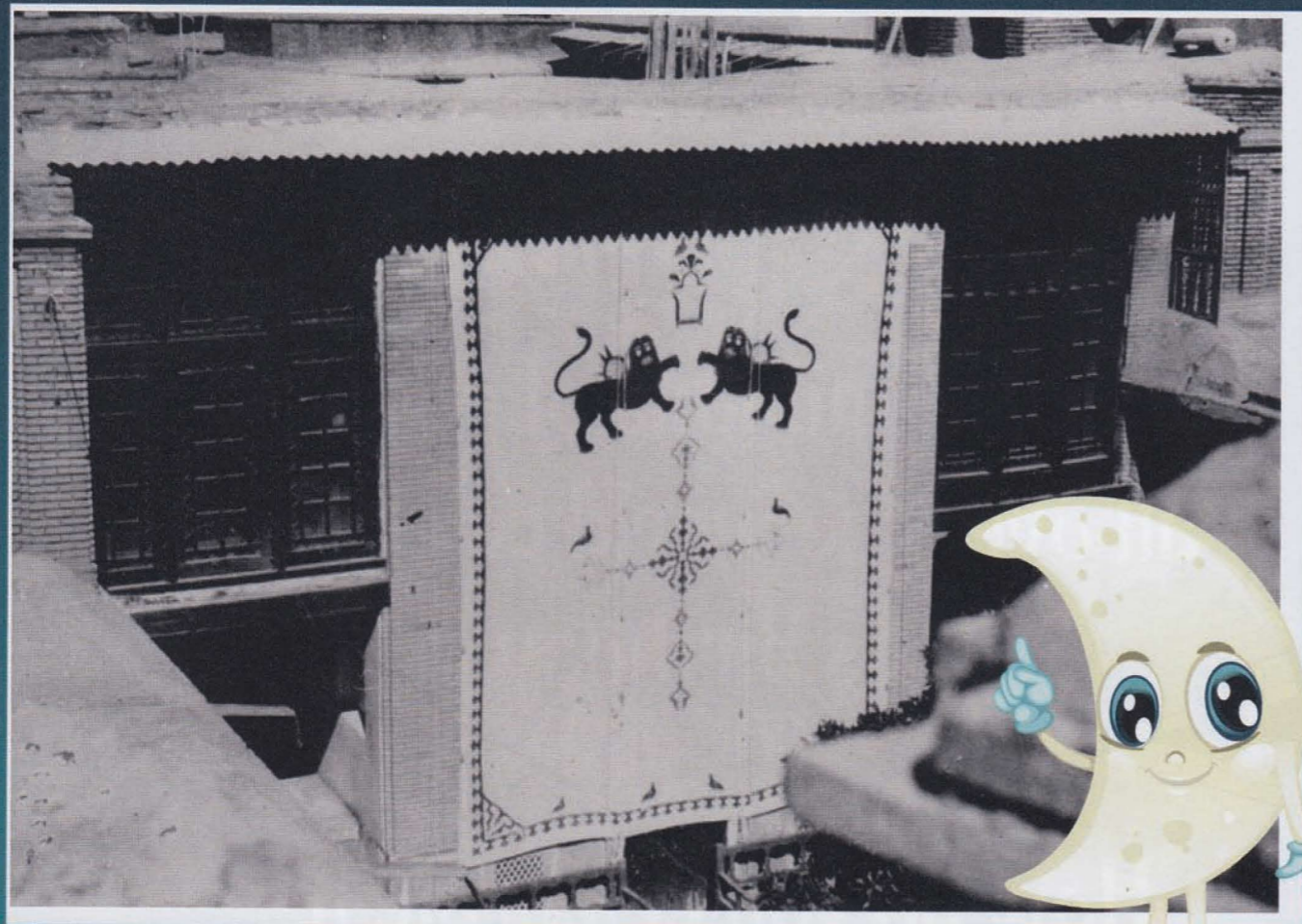
او همواره با کودکان دیگر  
مهربان بود و به آنها محبت می کرد.

مثلاً، در کلاس از هر غذایی که  
با خودش آورده بود  
به کودکان دیگر هم می بخشید.



امروزه میلیون‌ها نفر در سراسر عالم  
روز تولد ایشان را جشن می‌گیرند.

شما چگونه تولد حضرت باب را  
جشن می‌گیرید؟



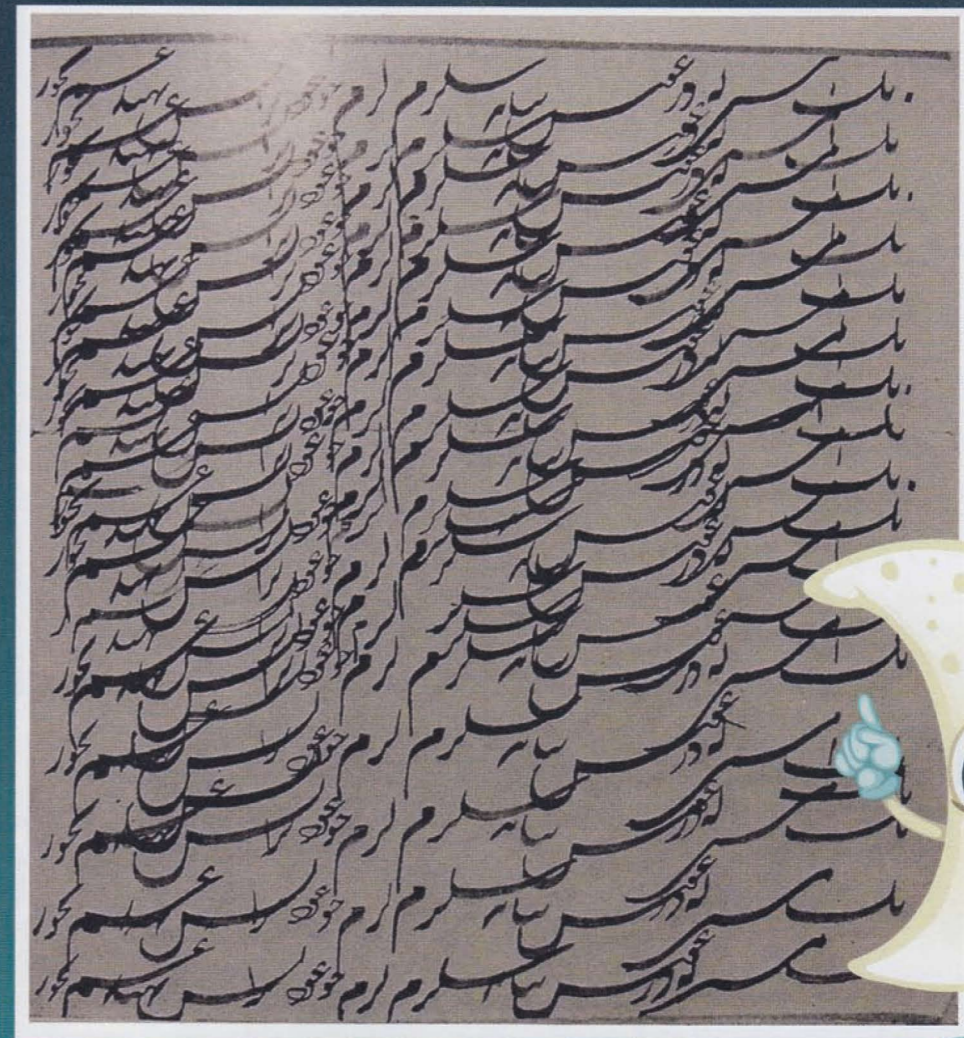
اتاقی که حضرت باب در شیراز  
آنجا متولد شدند



تصویری از تسبیح حضرت باب

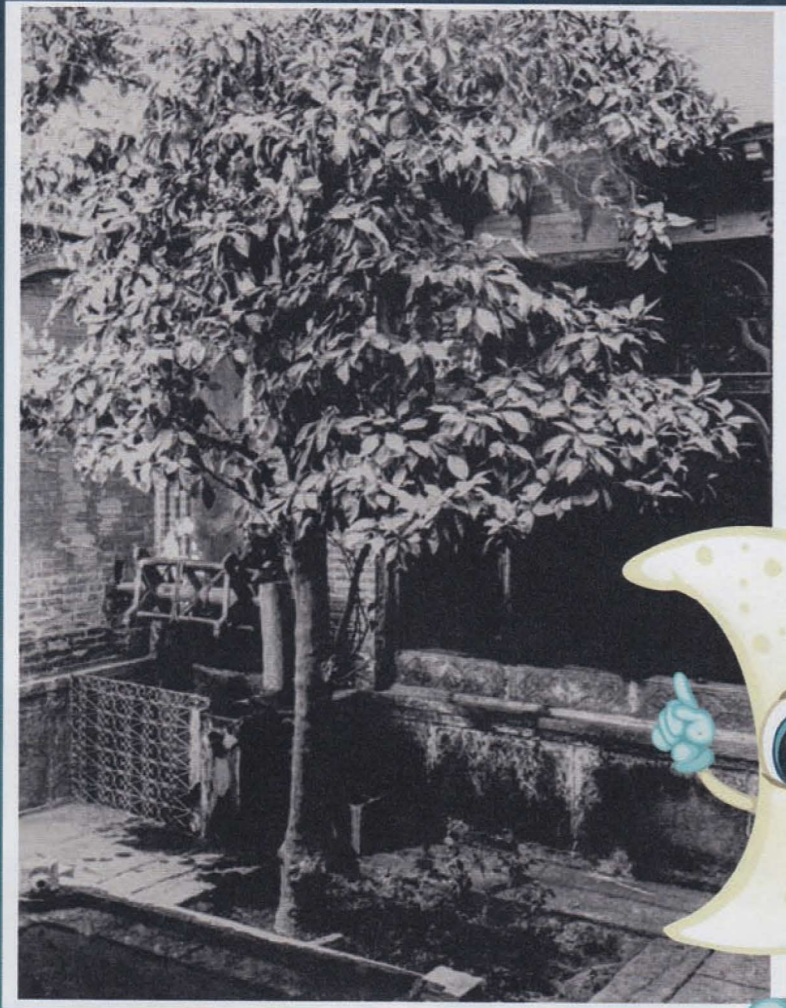


تصویر درِ خانه حضرت باب در شیراز

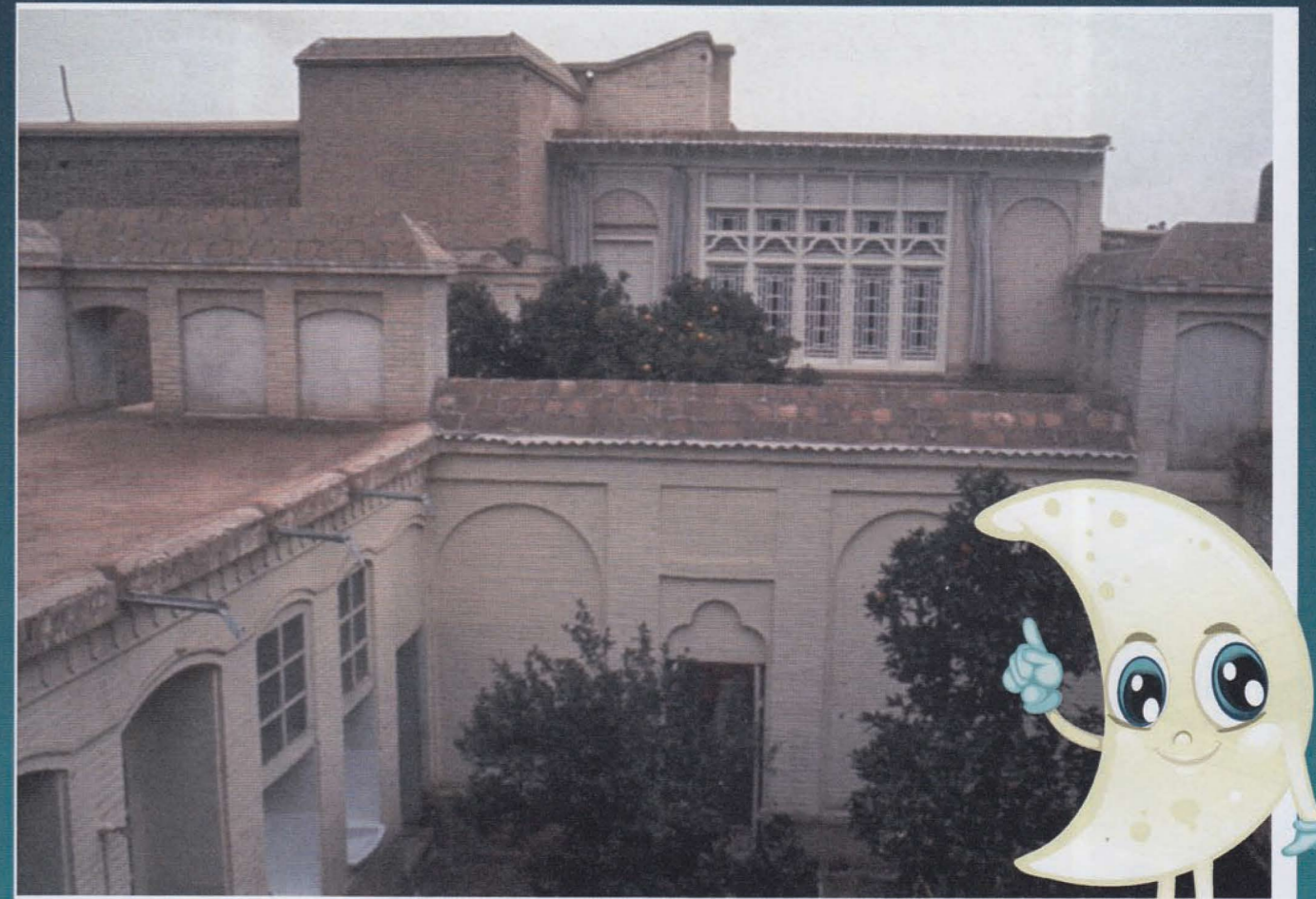


تمرین خط حضرت باب قبل از اینکه  
به سن ده سالگی برسند





درخت نارنجی که به دست حضرت باب  
در حیاط خانه‌شان در شیراز کاشته شد



نمایی از خانه حضرت باب در شیراز

# References:

- 1.The Báb, by Balyuzi, H.M.
- 2.The Báb, His Life, His Writings And The Disciples Of The Báb's Dispensation, by Nusrat'u'lláh Muhammad-Husainí, Ph.D.
- 3.Haḍrat-i-Nuḡṭay-i Úlá, The Life Of The Báb, by Muḥammad-`Alí Fayḍí
- 4.<https://media.bahai.org/>



در سال ۱۸۱۹ میلادی (۱۲۳۵ شمسی)،

یک کودک خاص به دنیا آمد.

ماه داستان به دنیا آمدن و و کودکی او را

به خاطر می آورد.